

مادر که باشی، با بچه های دیگر مهربان تری

طعم شیرین مادری نو

گروه جامعه

گزارش روز

تاکنون با آدم های عاشق صحبت کرده اید؟ از این عشق های تقلبی و ارزان نه! از آن اصلی هایش که از جان برای عشقشان مایه می گذارند، بیدار خوابی می کشند و پای نگرانی های ناتمامشان ذره ذره آب می شوند. خیلی وقت ها حتی یک تشکر خشک و خالی هم نمی شنوند و وقتی پای درد دل هایشان می نشینی، می بینی بابت کارهای نکرده، عذاب وجدان هم دارند! به مناسبت تک روزی که در تقویم به نامشان شده است و باید به تعداد روزهای سال تکثیر شود، سراغ چند نمونه از عاشق های درجه یکی می رویم که آن ها را «مادر» می خوانند و از مهری که تا بد در قلب دارند، چند جمله ای می شنویم.

دنای من با وجود فرزندم تغییر کرده است

الهه کریمی - عضو گروه جهادی قرارگاه شهید علیمردانی



دخترم کوچک تر از آن است که از روز مادر و هدیه و این چیزها سردر بیاورد، اما همین چند روز پیش خطاب به خودش می گفتم: «آرزو دارم زودتر بزرگ بشی و برام نقاشی بکشی»، هنوز هم دغدغه گروه جهادی مان را دارم، اما دنیای من با وجود فرزندم تغییر کرده است، چون من خوش حال ترینم. نگاهم به بچه های دیگران هم از جنس دیگری شده است و دلم بیشتر برایشان می سوزد. انگار مادر که باشی، مهربان تر می شوی و با همه بچه ها.

فاطمه نواری من چهل و چهار روزه شده است. یعنی من حالا یک مادر چهل و چهار روزه ام. زندگی من با سختی های جدیدش شیرینی عجیبی پیدا کرده است، نوعی جذابیت و تازگی متفاوت. من تجربه وقت گذاشتن برای دیگران به ویژه ایتم و کودکان نیازمند را در گروه داشتم و فکر می کردم حس مادری همان است، اما حالا مطمئنم مادر واقعی بودن فرق دارد. شیرینی اش بیشتر است، اما دل رانمی زند. اصلا مادر شدن دل سوزی دوچندان از جنس دیگری می خواهد.

تعریف اشتباه از مادر خوب

دیانا شنوایی - خانه دار



راهم دیدیم، همه مان. اگر زمان به عقب برمی گشت، به جای این یک بچه، لذت مادر شدن را سه چهار بار تجربه می کردم. دوم اینکه دانشم را درباره سبک زندگی بیشتر می کردم. سوم اینکه به مادرم بیشتر توجه می کردم، چون حالا معنی زحمت هایش را بهتر می فهمم. پنج شش ماهی می شود که جبران اشتباه های گذشته را شروع کرده ام. می دانید؟ چندتا پیرهن که بیشتر پاره می کنی، می فهمی چیزهایی که قبلا برایت خیلی مهم بودند. همه زندگی نیست و ارزش های دیگری هم وجود دارد.

پس از تصادف فهمیدم مادری یعنی چه

ژاله شندری - راننده اتوبوس



تولد پسر در پانزده سالگی ام انگار تنها تجربه حس زایمان و بچه داری بود. با وجود اینکه یک سال بعد هم دخترم به دنیا پا گذاشت و زندگی مان را شیرین تر کرد، همیشه فکر می کنم هنگامی که دختر دانشجویم را در تصادف از دست دادم، تازه حس مادری را تجربه کردم. داغ فرزند بدجور دل مادر را می لرزاند. چنین دردی را فقط یک مادر می فهمد و بس، اما خیلی رود خود را جع و جور کردم. توکل کردم به خدایی که بهتر از من صلاحم را می دانست و شکرگزار شدم. نمی دانم چرا. اما پس از آن داغ، آرام تر شدم، رابطه ام با خداوند

مامان موفقیت ها

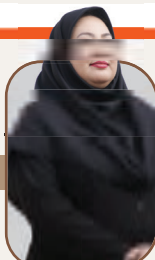
نادیا شایسته - کارآفرین صنایع خودرو



یازده سال پیش، یک روز عصر مثل همه خانم های خانه دار چای دم کرده بودم و منتظر همسرم بودم که به خانه بیاید و از کار و اتفاقات آن روزش برام بگوید. اما نیامد و هرگز نیامد. و من از آن روز به بعد تصمیم بزرگی گرفتم که در کنار مادری، ادامه دهنده راه همسرم باشم؛ یک تصمیم بزرگ برای ورود به عرصه کارآفرینی. من به یک بانوی کارآفرین و یک مادر خوشبختم. برای مادر، خوشبختی آنجاست که بزرگ شدن و قد کشیدن فرزندش را به چشم ببیند. اصلا کامل شدن خوشبختی یک زن با مادر شدن رقم می خورد. مادر شدن بزرگ ترین موهبت و هدیه

جان مامان...

افسانه شکرابری - سرپرست مرکز دختران کم توان ذهنی پردیس



بی شک مادری حس قشنگی باید باشد. تا زمانی که این حس را لمس نکرده باشی، نمی توانی وازه ای درخرو برایش بیان کنی. من این حس را درک نکرده ام، چون فرزندی ندارم و مادر نشده ام. اما همه ۴۲ دختر کم توان ذهنی که سرپرستی آنان را بر عهده دارم، برای من این حس مادری را تداعی می کنند. و چقدر این حس شیرین است. وقتی زهره، یکی از دختران کم توان مرکز نگهداری پردیس، من را «مامان، صدامی زند،

قند توی دلم آب می شود و با همه وجودم می گویم «جان مامان...» برای همه بانوان روز زن حس و حال عجیبی دارد. مادر شدن یک ستاره پر نور در دل آسمانی تاریک است و چه چیزی بهتر از این می تواند باشد که نفست بند باشد به نفس یک انسان دیگر. من مطمئنم همه بانوان سرزمین جز شادی و سلامت و پیشرفت تک تک فرزندان این سرزمین دل خوشی ای ندارند، حتی اگر مادر نباشند.

یک مادر، یک معلول و دنیایی از عشق

فاطمه کرمانی - خانه دار



بچه ای دارم که هیچ وقت بزرگ نمی شود. پسر، ابوالفضل، یازده ساله و دچار فلج مغزی است. از وقتی به دنیا آمد، افتادیم در صف دکتر و بیمارستان. اکنون هم برای کلاس های کار درمانی و گفتار درمانی اش هر روز باید چهارده کیلو گرم وزن او را از پله های دو طبقه ساختمان بالا و پایین بیاورم. دیگر برایم دست و کمر نمانده است. رنجی که من از بزرگ کردن ابوالفضل کشیدم، به اندازه بزرگ کردن ۱۰ تا بچه است. باین حال عذاب وجدان دارم از اینکه مادر خوبی نیاشم.

مادر بودن را با هیچ چیز عوض نمی کنم

انسیه حیدرزاده - کارآفرین



از دوران مجردی، مهمانی که می رفتیم، بچه ها را جمع می کردم در یک اتاق و سرگرمشان می کردم. اصلا یکی از آرزوهایم این بود که روزی مادر بزرگ بشوم و نوه هایم بریزند اطرافم. خودم را بدون خانواده و چهار فرزندم نمی توانم تصور کنم و خارج از این چارچوب، زندگی برایم لذت ندارد، حتی اگر جلو پیشرفت های فردی ام را بگیرند. مادر شدن برایم یک آرمان بود. باین حال، وقتی در بارداری اول و دومم ناچار شدم فعالیت اقتصادی را کنار بگذارم، برایم سخت بود. دروغ چرا؟ حس خوبی نداشتم. فرصت هایی برای رشد فردی ام

دل مادر نمی گذارد بی مهری کنی

ندا قاسمی - کارگر



زندگی مشترک من از همان اول همین شکلی بود، با شوهری که معلولیت داشت و کار کردن من در خانه های مردم گذشت. تا وقتی پسرم کوچک بود، می گذاشتمش کنار شوهرم و می رفتم سرکار، اما دخترم که به دنیا آمد، اوضاع سخت تر شد. دخترم هم معلولیت مغزی داشت و مجبور بودم بیشتر اوقات او را با خودم از این خانه به آن خانه ببرم. حالا که پانزده ساله شده، موقع کار مدام فکر می کنم در چه حال است. مادر که باشی، برایت فرقی ندارد که فرزندت سالم است یا بیمار. دل مادر نمی گذارد به فرزندت

مامان ۱۲۷ عروس و ۸۰ داماد

زهره گودرزی - مدیر گروه حامیان اکرام



من مامان چندتا بچه هستم؟ [مکث کوتاه] من ۴۲۰ فرزند دارم، یک دختر و دو پسر و ۴۱۷ فرزند یتیم. تا این روز خدا این توفیق را به من داده است که مادر ۱۲۷ عروس خانم و ۸۰ آقا داماد باشم؛ دختر و پسرهایی که از مجموعه گروه حامیان اکرام ازدواج کرده اند و به خانه بخت رفته اند. تا حالا مامان این جوری دیده بودید؟ [خنده] شاید به نظر برسد، اما هیچ فرقی بین آن ها و سه فرزند خودم نیست. این را هر فردی که برای

مادری برای خواهر و برادر

نرگس شفایی - کارآفرین حوزه زنان



از تلاش دست نکشیدم و حالا سه شرکت تعاونی دارم. من معتقدم خانم ها توانمندی های زیادی دارند، اگر توانمندی خود را دست کم نگیرند. این حرفم برای همه خانم های کشورم است، اینکه تک تک شما می توانید مادر باشید، شاغل باشید، کارآفرین باشید و... اگر و اگر اعتماد از کمی تحقیق تصمیم گرفتم که ناوایی برای مشاوره شغلی به من مراجعه می کنند. وقتی بان ها صحبت می کنم، متوجه می شوم که فقط یک مشکل دارند، آن هم داشتن اعتماد به نفس.

چشمندان روشن

چشمندان روشن

خبرهایی را که حال دلمان را خوب می کند برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی ها، آدمیزاد به امید زنده است. برای امیدواری بهانه که هیچ، دلیل هاهم فراوان اند. می گوید نه؟ کافی است هر روز به «چشمندان روشن»، سری بزنی و به خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده ایم، نگاهی بینداز بد. کوچک یا بزرگ، فرقی نمی کند، اگر شما هم خبر خوشی دارید، با ما در میان بگذار بد تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را با همشهریانمان به اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی مان، مستقیم و نزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۴ پیامک بدهید تا ما در کوتاه ترین زمان باشما تماس بگیریم و چشم مردم را به خبر خوشتان روشن کنیم.

یادداشت

شغل مقدس، حساس و آینده ساز



«خانه داری شغل حساس و آینده ساز است. یکی از وظایف مهم زن، خانه داری است. همه می دانند، بنده عقیده ندارم به اینکه زن ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند، نه، اشکالی ندارد، اما چنانچه به معنای این باشد که ما به خانه داری به چشم حقارت نگاه کنیم، گناه است. خانه داری شغل است، شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس و شغل آینده ساز»، این ها بخشی از فرمایش های رهبر معظم انقلاب است که به اهمیت خانه داری



دکتر مهری نیاز احمدی خراسانی

و وظایف زن اشاره می کند. اکنون سبک زندگی با گذشته خیلی فرق کرده است و بسیاری از اموری که اهمیت و ضرورت داشته اند، رنگ باخته و امور فرعی و حتی غیر ضروری جای آن را گرفته اند. کافی است کمی به جریان زندگی امروز دقت کنی، بدون ملاحظه ایام را می گذرانیم، خیلی کم می خندیم، سریع رانندگی می کنیم، تندتند راه می رویم، همیشه عجله داریم، با کوچک ترین اتفاق نامطلوبی از کوره درمی رویم و به شدت عصبانی می شویم. زیاد غر می زنیم، شب ها تا دیروقت بیدار می مانیم، خسته و کسل از خواب برمی خیزیم، معمولاً صبحانه نمی خوریم، از ورزش خبری نیست، برای مطالعه وقتی اختصاص نمی دهیم، حوصله سروکله زدن و بازی با بچه ها را نداریم، به ندرت دعا و نیایش می کنیم، هیچ جا حتی سر سفره از تلفن همراهمان در امان نیستیم، درون گرا شده ایم، ارتباطات مجازی، تلفنی، اینترنتی و پیامکی را به ملاقات های رودر رو ترجیح می دهیم، زمانی برای صله رحم و دیدار فامیل و آشنایان نداریم، از حال روز همه حتی همسایه ها و دوستان قدیمی بی خبریم، تقریباً همه روزهای ما مثل روز قبل آغاز می شود و تا انتهای شب ادامه دارد. مثل یک ماشین کوکی این اتفاقات هر روز تکرار می شود و انگار چیزی در اختیارمان نیست و سایه روزمرگی بر زندگی مان افتاده است. شاید برخی از این موارد کمی اغراق آمیز به نظر برسد یا اینکه تعدادی از آن ها درباره زندگی برخی از ما مصداق نداشته باشد، ولی آنچه مسلم است، در جامعه امروزی سبک زندگی تا حد زیادی تغییر کرده و بسیاری از اتفاقات و پیامدهای زندگی ماشینی ناخواسته شیوه زندگی مردم را عوض کرده است. البته این واقعیت قبول که در هر عصری باید مطابق با نیازهای همان زمان زندگی کرد، ولی برخی اصول در زندگی وجود دارند که تاریخ مصرف ندارند و باید همواره به آن ها توجه شود. اصولی مانند تغذیه سالم و مناسب، خواب کافی، ورزش، ارتباط با خداوند، مهربانی با خانواده، مردم داری و تعاملات اجتماعی، صبر، وقار و تغفل در زندگی و... مواردی هستند که همواره در زندگی انسان اصالت داشته اند و نباید از آن غافل شد. اگر کمی با دقت به اطرافمان نگاه کنیم، هنوز هم کمابیش افرادی را می بینیم که با برنامه ریزی مناسب به معنای واقعی زندگی می کنند و به همه کارهایشان می رسند. برای دستیابی به شیوه مناسبی از زندگی باید انسان زمانی را فقط برای خود و خانواده اش در نظر بگیرد. بدون شک آدمی برای دستیابی به بهترین شیوه زندگی به زمان کافی برای ارتباط با خداوند، خود و خانواده، نیاز دارد. همه این موارد فقط در سایه و بستر خانه و خانواده اصلاح می شود و بهبودی می یابد و بدون شک طراحی، هدایت و مدیریت این مهم در قالب وظیفه ای فطری و مهم به نام «خانه داری»، تجلی می یابد. زن هرچه در جامعه پیشرفت کند و اثرگذار باشد، در جای خود درخور قدرانی است. اما نقش اساسی و مهمی که در خانواده و امور خانه داری و ساختن آینده کشور دارد، وصف شدنی نیست. اینکه عده ای سعی دارند جایگاه حساس و مهم خانه داری را تنزل دهند یا آن را کاری سطح پایین و حتی در حد وظایف خدمتکار توصیف کنند، در حقیقت و اهمیت موضوع اثری ندارد. «خانم خانه دار»، هرگز بیکار نیست، تفکر غلط بیکار بودن زن خانه دار نتیجه فقر فرهنگی است. اگر به فعالیت های یک خانم خانه دار در شبانه روز دقت کنیم، او را شافل حساب خواهیم کرد، آن هم برای مهم ترین شغل دنیا! تصور ما از فرد شاغل کارمندی است که از صبح تا بعدازظهر مشغول به کاری است که برایش تعریف شده است. اما زن خانه دار را که در طول شبانه روز به وظایف متعددی می پردازد بیکار می دانیم! زن خانه دار شاغل است، اما حقوقی دریافت نمی کند. شاید راه گشایش بسیاری از گروه ها و چالش های اجتماعی بازاریابی و تازه گردانی جایگاه زن در خانه و اهمیت شغل حساس خانه داری است که دستگاه های متولی باید به آن اهتمام ورزند. خانه داری از طریق «اصلاح سبک زندگی، ایجاد انتظام رفتار اعضا، افزایش مسئولیت پذیری و هم بستگی اجتماعی و تکریم و تعظیم اخلاق و مناسبات فطری»، بالاترین سهم را در بین مشاغل برای سالم سازی جامعه ایفا می کند.